

## آموزش با سریال how I met your mother

جلسه بیست و یکم - مدرس: علیرضا صادقیان



**Her fiancé's boyhood home, she received a big welcome.**

As Lily **stepped into** her fiancé's **boyhood** home, **she received a big welcome**

لیلی تا وارد خانه پسرچگی نامزدش شد، استقبال گرمی ازش شد

کلمه **step into** یعنی وارد جایی شدن

**Step into:** to enter a place

**Boyhood:** the state or period of being a boy.

Boyhood is a happy time of life.

**Girlhood:** the state or time of being a girl.

**Warm/friendly welcome**

**استقبال گرم/دوستانه**

His colleagues gave him a very warm welcome when he returned to work.

موقعی که به سرکار برگشت همکارهایش ازش استقبال گرمی کردند

You can be sure of a friendly welcome at all our hotels.

در مورد یک استقبال دوستانه در هتل ما خیالتون راحت باشه



**Ever since college it's been, marshall and lilly and me.**

از زمان دانشگاه من بودم و مارشال و لیلی.

**Ever since**

به معنی از وقتی که. به مثال زیر دقت کن:

I've known Lucy **ever since** we were children.

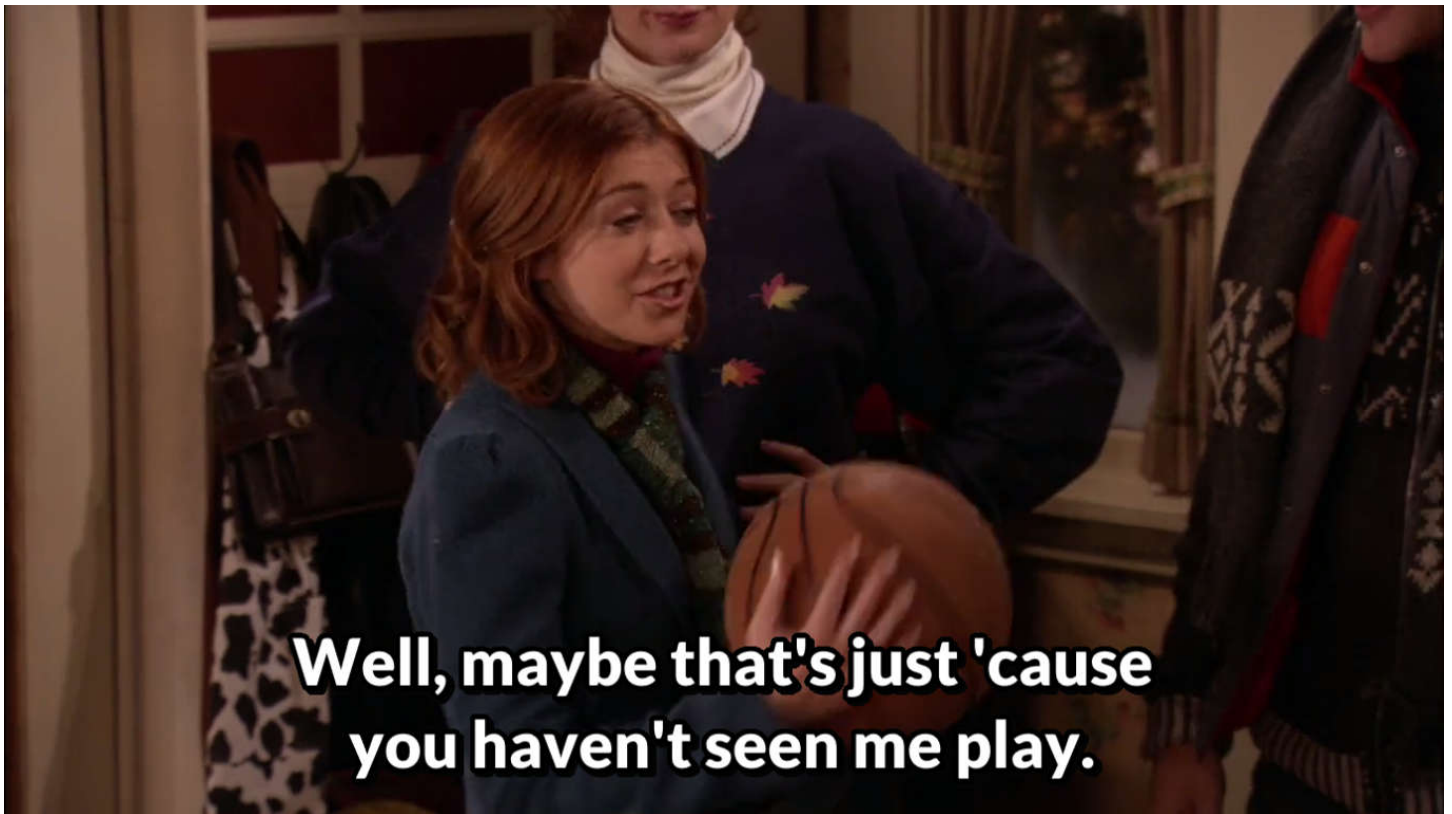
من "لوسی" را **از وقتی** بچه بودیم می شناسم.

**Now it's gonna be marshall and lily and me.**

حالا قراره مارشال و لیلی و من باشیم.

**They'll get married. Start a family**

ازدواج میکنند و خانواده تشکیل میدن



Well, maybe that's just 'cause  
you haven't seen me play.

Maybe that's just **cause** you **haven't** seen me play

شاید به خاطر اینه که بازی منو ندیدی  
کلمه cause در واقع همون because هست.

You haven't seen me play

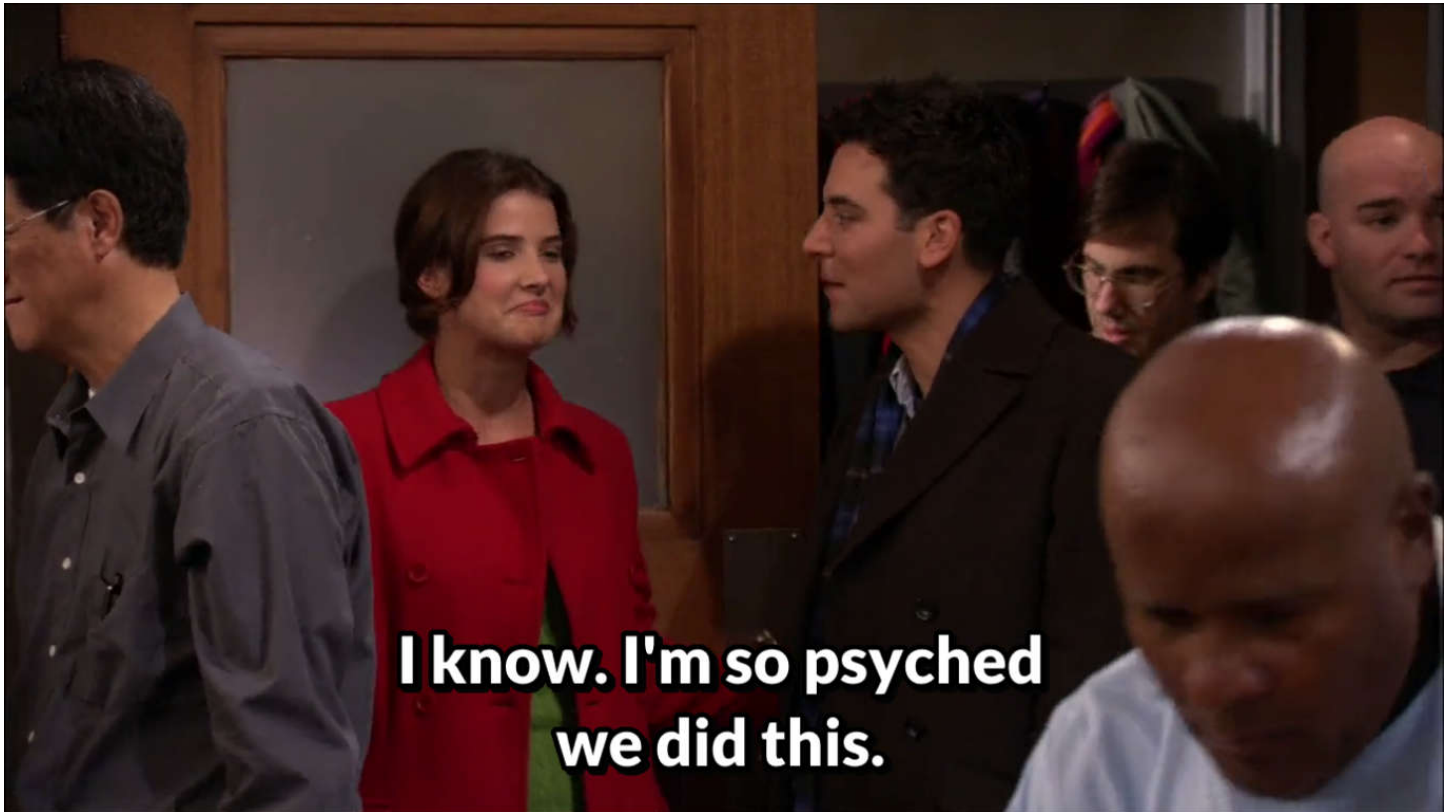
منو ندیدی که بازی کنم  
حالا بیایم با این مثال های مختلف بسازیم:

Maybe that's just cause you haven't seen me teach

شاید به خاطر اینه که تدریس منو ندیدی

Maybe that's just cause you haven't seen me sing

شاید به خاطر اینه که آواز خوندن منو ندیدی



I know I'm so **psyched** we did this.

خیلی هیجان زده ام که اینکارو کردیم  
کلمه psyched به معنی ذوق زده و هیجان زده. مثال:

Are you psyched about Eminem's new album

واسه آلبوم جدید امینم ذوق داری؟

Look at all these people, **giving up** their thanksgiving to help their **fellow men**.

به این آدمها نگاه کن که جشن شکرگزاری رو رها کردند تا به هم نوعان خودشون کمک کنند.  
و بعد بارنی میاد و میپرسه ازش اینجا چیکار میکنی و میگه:

Just the **lord's work**

فقط کارای خدایی (محض رضای خدا)

But you're **Satan**

اما تو شیطانی

I think it's important to help **the less fortunate**

فکر میکنم مهمه که به فقرا کمک کنم.

less fortunate = poor people



**I almost forgot**

داشت یادم میرفت

اینجا کلمه **almost** معنی **در حال وقوع** میدهد. مثلا:

**I almost died**

داشتم میمردم

**I know it's early but you are a future Mrs. Eriksen**

میدونم زوده اما تو خانم اریکسن آینده ای

و بعد مادر شوهرش میگه:

**Ok lily we're putting you on salad duty**

خب لیلی. وظیفه درست کردن سالاد رو به تو میسپاریم

**I'm going to let you in on a secret recipe**

میخواهم به دستور غذایی محرمانه بت بگم

**Let someone in on sth**

یعنی چیزی رو محرمانه به کسی گفتن